

محو شد در نور اسلام و صفا
آفرین بر دست پاک اوستاد
صد هزاران ذره را داد اتحاد

اگر آن مایه دینی این‌ها را کنار هم
قرار دهد، بنا و استاد به کارگیری
این‌ها نیز مبلغان دین، علمای دین و
روحانیان خواهند بود. ان شاء الله که
توانسته باشیم مطلب را برسانم.

**حوزه برای اجرایی شدن حکومت
دینی و تحقق نظام‌های اقتصادی،
فرهنگی و غیره اسلام چه باید
بکند؟ چون حکومت دینی بدون
اجرایی شدن تمام این سیستم‌ها
اجرایی نخواهد شد...**

اگر آن خشت اول اگر خوب گذاشته
شود، الباقی جزء مراحل کار است
و روحانیت به‌طور طبیعی در همه
مراحل وظیفه نظارت را خواهد
داشت تا حرکت در مسیر درست
باقی بماند. ما طی ۳۵ سال پس
از پیروزی انقلاب، دیده‌ایم که با
کم‌ترین غفلت، امکان انحراف از
مسیر وجود دارد. در دوره‌ای عناصر
ملی‌گرا آمدند و سرمایه‌ها را از دست
دادند یا کم‌رنگ کردند و عناصر
افراطی هم با تمایلات خاص سیاسی
وقتی کار را به دست می‌گیرند، امور
به عقب می‌افتد.

«ود الذین كفروا لو تغفلون عن
اسلحتکم و عن امتعتکم فیمیلون
علیکم میله واحده». دشمن خیلی
دوست دارد که ما دچار غفلت شویم
و از اسلحه و متاعمان دست بکشیم
تا با یک هجمه ناگهانی غافل گیر و
نابودمان کند! به همین دلیل است
که باید وظیفه نظارتی و حمایتی خود
را داشته باشیم و به همان تعبیر روایت:
«العالم زمانه لا تهجم علیه اللوایس».
باید با زمان‌شناسی رصد کرد و
مراقبت و نظارت داشت. حضرت
آیت الله جوادی آملی حفظه الله
می‌فرمودند «مراقبت» از رقیه است؛
یعنی گردن، گردن کشیدن...
مراقبت یعنی انسان گردن بکشد
و نگاه کند و همیشه در آماده‌باش
باشد. نمی‌توان استراحت کرد؛
روحانیت در همه احوال باید مراقب
باشد.

سلاقی مختلف در داخل حوزه در
شرایط کنونی نظام اسلامی، باید
خود را با معیار و شاخص ولایت
و رهبری منطبق کنند و حتی در
مواردی که نظریات و سلاقی دیگری
دارند، در چنین شرایطی و به‌خاطر
مصلحت بزرگ‌تر، باید این را ملاک
قرار دهند تا کار به سرانجام برسد.

مناطق که به لحاظ زبان، مذهب،
ملیت و سوابق تاریخی توجه ویژه‌ای
به مشهد دارند، جایگاه ویژه‌ای دارد
و طبعاً حوزه مشهد هم می‌تواند
نقش برجسته‌ای در مجموعه نهاد
روحانیت ایفا کند.

**حوزه چگونه باید ایفای نقش کند
تا نهایتاً فلسفه وجودی حوزه‌های
علمیه تحقق یابد؟**

ما ابتدا باید عوامل تمدن‌ساز را
احصا کنیم که اولین آن‌ها تئوری،
نظریه و پشتوانه فکری یک تمدن
است. اگر در مقطعی از تاریخ،
بخش عمده‌ای از اروپای امروز تحت
تأثیر این دین قرار گرفت، به‌خاطر
آن محتوا و تفکر قابل پذیرش برای
انسان‌ها بود که تا اسپانیا هم پیش
رفت.

برای انتقال این مفاهیم و این نظریه
دینی، به انسان‌هایی نیاز داریم که
خود این پیام را گرفته باشند و بعد
هم جرأت و جسارت انتقال آن‌را
داشته باشند. حوزه‌های علمیه
مراکزی هستند که هم خود از
ابتدا با مایه‌های رشد کرده‌اند و
هم به‌عنوان یک رسالت و تکلیف،
موظفند آن محتوا را به بدنه جامعه،
اعم از نخبگان و عموم مردم منتقل
کنند. پس نقش حوزه‌های علمیه
در تمدن‌سازی اسلامی، در واقع
انتقال آن مفاهیم دینی، یعنی
خمیرمایه تمدن اسلامی، به اعضای
جامعه است.

به تعبیری اگر بخواهید یک ساختمان
را بنا کنید، اجزا و مصالحی چون آجر
و سیمان و امثال آن‌ها در صورتی برپا
می‌شوند که ارتباط و اتصال محکمی
میان‌شان برقرار شود. آن مایه و ملاتی
که می‌تواند اجزای پراکنده اجتماع را
در کنار هم قرار دهد و اعضای متفرق
جامعه را یک‌پارچه کند، دین است؛
دوقبلیه ک «اوس» و «خزرج» نام داشت
یک‌دیگر جان خون‌آشام داشت
کینه‌های کهنه‌شان در مصطفی

علامه شهید مطهری در «خدمات
متقابل اسلام و ایران»، آن‌را به خوبی
تبیین کرده‌اند و نکته سوم، فضای
فعلی کشورهای اسلامی است؛ چه
به لحاظ سیاسی و متولیان‌شان و چه
به لحاظ نفوذ تمدن غرب و استکبار
در این کشورها. همه این‌ها می‌تواند
در نهایت آن جمع‌بندی را به‌وجود
آورد.

شخصیتی مانند مقام معظم رهبری
دامت برکاته، هم گذشته‌ها و این
پیشینه تاریخی را رصد کرده‌اند و
هم این حرکت‌های دینی منطقه را.
معظم‌له قبل از انقلاب در رابطه با
شبه‌قاره هند و حرکت‌های آن زمان،
کتاب نوشته‌اند و همین حرکت‌های
اخوانی‌ها که امروز در مصر جریان
دارد و نیز دیدگاه‌های سید قطب
را قبل از انقلاب رصد کرده‌اند.
از طرف دیگر اشراف معظم‌له بر
شرایط منطقه‌ای و جهانی و اشراف
ایشان بر وضعیت داخلی، طبعاً به
این نتیجه می‌رساند که ما در قدم
اول باید این تمدن‌سازی را با اقتدار
درونی و داخلی و سپس با ایفای
نقش شایسته در جهان اسلام دنبال
کنیم.

**با اشراف جناب‌عالی به حوزه‌های
علمیه ایران، فکر می‌کنید حوزه
علمیه خراسان به‌طور مشخص چه
کارویژه‌ای نسبت به سایر حوزه‌های
علمیه دارد و چه نقش ویژه‌ای در
پاسخ به مطالبات مقام معظم رهبری
ایفا می‌کند؟**

البته نگاه ما به نهاد روحانیت و سازمان
روحانیت، کلیتی است که مراکز و
پایگاه‌هایی دارد و نجف، قم و مشهد،
از جمله این پایگاه‌ها هستند. مشهد
با توجه به هم‌جواری با مضجع منور
علی‌این‌موسی‌الرضا علیه‌السلام،
حضور علمای برجسته‌ای که آن‌هم به
برکت این مضجع منور در طول تاریخ
محقق شده است، پوشش دادن بخش
مهمی از کشورهای آسیای میانه و

است و این توجهی مهندسی‌شده
است. نیروهای مسلح خط مقدم
پاسداری و حفاظت از مرزهای
فیزیکی‌اند؛ گرچه هر جا که لازم
باشد، همه مردم به دفاع خواهند
پرداخت، اما خط مقدم، آن‌ها
هستند. دانشگاه‌ها نیز مرکز تولید
علم است و در واقع پشتوانه علمی
یک نظام است.

اما روحانیت با جایگاه دینی و
مقبولی‌تی که در میان مردم دارد،
می‌تواند عامل وحدت و انسجام
مردم باشد. این شبکه عظیم
نهاد روحانیت که در درون خانه و
زندگی مردم حضور دارد و عرصه
فعالیت‌های کلان دینی، از مسجد
تا امامت عظیم‌ترین نمازهای جمعه
را در دست دارد، اگر بتواند خودش
را متناسب با نظام اسلامی بازسازی
کند و نقش آفرین باشد، مهم‌ترین
عامل وحدت و انسجام جامعه
اسلامی خواهد بود.

بنابراین روحانیت در جایگاه دینی‌اش
برای حفظ آن وحدت و انسجام ملی،
دانشگاه‌ها برای تولید علم و نیروهای
مسلح برای محافظت و مراقبت از
این اقتدار و اتحاد و انسجام ملی،
می‌توانند نقش خود را ایفا کنند.

**چه فرایندی باعث این امتیاز و
تمایز در مقام معظم رهبری به‌عنوان
یکی از مراجع و علمای برجسته عالم
تشیع شده است؟**

البته زمینه‌های اجتماعی و
ویژگی‌های شخصی‌ای وجود دارد
که انسان با هوشمندی و استفاده
از آن‌ها می‌تواند به یک نتیجه و
جمع‌بندی برسد.

تجربه هزار و دویست ساله حوزه‌های
علمیه با همه فرازها و فرودهایش،
کلاس درسی است برای بزرگان
حوزه و علمای بزرگ؛ یعنی وقتی با
شخصیت بزرگی مثل شیخ طوسی
در حمله سلجوقیان چنان برخوردی
می‌شود و چنین شرایطی را پیش
روی خود می‌بیند، یا نقش آفرینی‌ای
که علامه حلی در دستگاه جبار
زمان دارد و به رویکرد سلطان محمد
خداپسند منجر می‌شود، نظام
تأثیرگذاری علمای جبل‌عامل در
دستگاه صفوی و غیره؛ هر کدام از
این وقایع تاریخی ویژگی خاص خود
را دارد. مجموع این‌ها تجربه بسیار
گران‌قیمتی است در برابر علمای
دین که عظمت کار امام‌را هم نمایان
می‌کند.

نکته دوم، نقش تاریخی این مذهب
در ایجاد تمدن اسلامی است که